

چهارده رساله فارسي

شامل مطالبي در:

اصول عقائد، عرفان، فلسفه، اخلاق، فقه، تفسير، حدیث وغیره

تأليف:

مرحوم آية الله حاج ميرزا احمد آشتiani قدس سره
(۱۳۹۵-۱۳۰۰)

به کوشش:

رضا استادی

بسم الله الرحمن الرحيم

این بندۀ ناچیز اوائل طلبه شدنم با جلسات هفتگی مرحوم آیت الله حاج میرزا احمد آشتیانی قدس سره آشنا شدم و در طول دو سه سالی که در تهران مشغول تحصیل بودم یعنی قبل از آمدن به حوزه قم گاهگاهی در آن جلسات شرکت می کردم و از همان آیام به خاطر ارادت خاصی که به آن مرحوم پیدا نموده بودم تألیفات ایشان را نیز تهییه و استفاده می کردم .

پس از فوت آن مرحوم به این فکر افتادم که رساله های کوچک ایشان را به صورت یک مجموعه منتشر سازم تا از این راه ضمن عرض ارادت به ساحت آن عالم بزرگوار از روح پر فتوحش استمدادی
منتهی کرده باشم .

بالآخره حدود دو سال قبل توسط حضرت حجّة الاسلام وال المسلمين جناب آقای حاج شیخ حسن سعید از محضر مبارک حضرت آیة الله آقای حاج میرزا محمد باقر آشتیانی استجازه کرده و با موافقت معظم له به این کار پرداختم امید است مورد دعای خیر مؤلف قرار

گیرم :

قم – رضا استادی

۱۴۰۳ هـ

فهرست این مجموعه

- | | |
|---------|---------------------------------|
| ۳۰-۱ | پیشگفتار |
| ۵۲-۳۱ | ۱- رساله پرستشنامه |
| ۶۴-۵۳ | ۲- رساله آداب دعا |
| ۹۰-۶۵ | ۳- رساله اخلاق و توحید |
| ۱۰۴-۹۱ | ۴- رساله میزان القراءة |
| ۱۱۲-۱۰۵ | ۵- رساله در توحید و معاد |
| ۱۳۰-۱۱۳ | ۶- رساله عبیدیه |
| ۱۴۰-۱۳۱ | ۷- رساله دلائل التوحید |
| ۱۵۰-۱۴۱ | ۸- رساله بیان نافع |
| ۱۷۰-۱۵۱ | ۹- رساله یادآور در توحید |
| ۱۹۲-۱۷۱ | ۱۰- رساله در تفسیر آیه قل الروح |
| ۲۲۴-۱۹۳ | ۱۱- رساله سرمایه سعادت |
| ۲۵۴-۲۲۵ | ۱۲- رساله کلمه طیبیه |
| ۳۴۰-۲۵۵ | ۱۳- رساله قول ثابت |
| ۳۵۲-۳۴۱ | ۱۴- رساله هدیه احمدیه |
| ۴۰۰-۳۵۳ | تعليقات |

بسم الله الرحمن الرحيم

مرحوم آية الله العظمی حاج میرزا محمد حسن آشتیانی
پدر مؤلف این رساله ها

مرحوم آیة الله حاج میرزا محمد حسن بن میرزا جعفر بن میرزا
محمد آشتیانی طهرانی آشهر مشاهیر علمای تهران و أعلم علمای آن
سامان در عصر خودش بوده است.

صاحب " ذریعه" رحمة الله عليه در شرح حال او می نویسد:
حدود سال ۱۲۴۸ هجری قمری در آشتیان بدنیا آمد و در همانجا
خواندن و نوشتن را آموخت و در سیزده سالگی به بروجرد - که در
آن تاریخ به برکت وجود علامه مرحوم ملا اسدالله بروجردی (متوفی
۱۲۷۱) دارالعلم و حوزه علمیه بود - هجرت کرد و چهار سال آنجا
ماند در خلال این چهارسال ادبیات را فرا گرفت و یک سال و نیم
از درس علامه مرحوم سید شفیع جاپلقی (متوفی ۱۲۸۰) استفاده
کرد آنگاه به نجف اشرف هجرت کرد و تا چندی از اساتید آن حوزه
قدسه بهره برد و بالآخره سالیان متعددی از محضر شیخ بزرگوار
مرحوم شیخ مرتضی انصاری استفاده کرد تا آنجا که از بزرگان تلامیذ
او به شمار می آمد و درس استاد را برای دیگران تقریر می کرد و
تقریرات استاد را می نوشت. در سال ۱۲۸۱ شیخ از دنیا رفت و

مرحوم آشتیانی در سال ۱۲۸۲ به طهران رفت.

صاحب "المآثر والآثار" می نویسد: میرزا محمدحسن آشتیانی

سلّمه اللہ در تاریخ جمع این تألیف (۱۳۰۶-۱۳۰۷) از روّای
بزرگ دار الخلافه (تهران) است تحصیل و تکمیل وی در خدمت
استاد الکل شیخ الطائفه حجۃ الحق شیخ مرتضی شوستری انصاری
رضوان اللہ علیه شده، از وقتی این بزرگوار به طهران آمده است
تکمیل اصول الفقه را بر سبک جدید و سیله ای عظمی پدیدشده، بعد
از مرحوم حاج ملاهادی (متوفی ۱۲۹۵ و مدرس مدرسه حاج محمد
حسینخان مروزی فخرالدوله) عمدۀ تلمذ طلاب و مستعدین در
دارالخلافه برای دانشور یگانه است و سالها می گذرد که زحمات
حکومات شرعیه کلیه بر عهده وی قرار گرفته آدام اللہ آیام اضافاته.

میرزا محمدخان قزوینی می نویسد: حاج میرزا حسن آشتیانی
از اعظم علمای طهران و متخصص در تحریر و احاطه فوق العاده به
علم اصول فقه که در این قرن اخیر بعداز مرحوم شیخ مرتضی انصاری
اعلی اللہ مقامه هیچیک از علمای شیعه در این فن به پای او
نمی رسیدند مطلقاً و اصلاً، و حاشیه بسیار مبسوط و مفصل او بر
فرائد الاصول مرحوم شیخ مرتضی انصاری مزبور در طهران در سنّه
۱۳۱۵ (۱۲۴۵) بطبع رسیده است و نگارنده این سطور در مجالس درس آن
مرحوم که همین فرائد الاصول را تدریس می فرمود در دو سه سال
اوآخر عمر آن مرحوم در طهران حاضر می شدم. نام او به واسطه
مسئله تنباکو و مقاومتی که او با ناصرالدین شاه در خصوص ابطال آن
انحصر نمود بسیار مشهور شد.

صاحب کتاب جغرافیای تاریخی تفویش و آشتیان می نویسد:

حاج میرزا حسن آشتیانی در قضیه دادن امتیاز انحصر

توتون و تنباكو (رژی) از طرف دولت وقت به شرکت انگلیسی مقاومت کرد ناصرالدین شاه او را به تبعید تهدید نمود اما او منتظر نماند و خودخواست که از تهران بیرون رود مردم با خبر شدند و جلو رفتن او را گرفتند.

سه نفر از علماء درالغاء امتیاز رژی خیلی مؤثر بودند:

۱- مرحوم حاج میرزا حسن شیرازی متوفی ۱۳۱۲

۲- مرحوم حاج میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی متوفی ۱۳۱۳

۳- مرحوم حاج میرزا حسن آشتیانی متوفی ۱۳۱۹

حاج میرزا حسن آشتیانی در تهران در یکی از کوچه های گلوبندک ساکن بود در واقع باید گفت بزرگترین نهضت [مذهبی] سیاسی ایران بر ضد استعمار خارجی با واقعه (رژی) از خانه همین میرزای آشتیانی آغاز گردید و از همین خانه بود که مرحوم آشتیانی حکم میرزای شیرازی را در تحريم تنباكو ابلاغ کرد و فعالیت های او سر انجام به پیروزی [مسلمانان] و میلیون و شکست شرکت خارجی و دولت وقت انجامید. انتهی.

تألیفات چاپ شده او عبارت است از :

۱- حاشیه بر رسائل شیخ انصاری به نام "بحر الفوائد"

این حاشیه را در نجف نوشته بود هنگامی که به طهران آمد آنرا تهذیب و تنقیح و سپس چاپ و منتشر ساخت.

صاحب ذریعه می گوید: حدود چهل حاشیه بر رسائل شیخ نگاشته شده و این حاشیه از همه آنها پرمایه تر و سودمندتر میباشد

سایر تالیفات چاپ شده او از این قرار است:

- ۱- رسالت فی الاجراء .
 - ۲- رسالت فی حکم آوانی الذهب والفضة .
 - ۳- رسالت فی قاعدة نفي العسر والحرج .
 - ۴- رسالت فی حکم اللباس المشکوك (از احه الشکوک فی حکم اللباس المشکوك)
 - ۵- رسالت فی الجمع بین قصد القرآن والدعا .
 - ۶- رسالت فی نکاح المريض .
 - ۷- رسالت فی انه اذا سلمت جماعة يكتفى بجواب واحد بصيغة الجمع ام لا .
- این رساله ها در زمان خود آن مرحوم چاپ شده است.

۸- کتاب القضا

این کتاب در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی چاپ شده است.
و آن مرحوم تألیفات دیگری هم دارد که به چاپ نرسیده است.

آن مرحوم از سال ۱۲۸۲ که به تهران آمد تا سال ۱۳۱۹ که وفات کرد با بزرگواری و احترام کامل در میان همه اقشار مشغول تدریس و تألیف و انجام وظایف بود و استان تنباکو باعث شد که در نظر دولتی ها هم عظمت ویژه ای پیدا کرد . در سال ۱۳۱۱ به حج خانه خدا مشرف شد در مراجعت به زیارت عتبات عالیات رفت هنگامی که به زیارت سامراء مشرف می شد مرحوم میرزای شیرازی دستور داد علمای حوزه علمیه سامرا باستقبال او رفتند و در سامراء مهمان مرحوم میرزا بود و آن مرحوم از این میهمان جلیل القدر بسیار تجلیل بعمل آورد زیرا تجلیل او در آن

شرايط که هنوز ناصرالدین شاه هم زنده بود از دو جهت لازم بود
یکی بخاطر جلالت قدر خودش و دیگر بخاطر تقویت اسلام و روحانیت
و در چند سال آخر عمر کلیه اوقافی را که تولیت آنها با
آعلم علمای تهران بود از قبیل موقوفات مدرسه مروی و غیره متولی
و متصدی شد.

مرحوم میرزا چهار پسر و یک دختر داشت: مرحوم حاج شیخ
مرتضی، حاج میرزا مصطفی، حاج میرزا هاشم، حاج میرزا احمد و
آقازاده خانم که نامش فاطمه بود.

در سال ۱۳۱۹ در تهران وفات کرد و جنازه‌اش به نجف اشرف
منتقل و در مقبره مرحوم حاج شیخ جعفر شوستری به خاک سپرده شد
رحمه الله عليه و رضوانه.

میرزا کوچک آشتیانی

میرزا جعفر بن میرزا بزرگ معروف به میرزا کوچک آشتیانی پسر
برادر مرحوم میرزا بود (برادر آن مرحوم میرزا بزرگ آشتیانی نام
داشت و از رجال دولتی آن عصر بود) میرزا جعفر در حکمت و عرفان
از شاگردان عرفا و حکماء معروف آن عصر: آقامحمد رضا قمشمای و
آغا علی مدرس زنوزی و میرزا ابوالحسن جلوه و در فقه و اصول از شاگردان
عم بزرگوارش میرزای آشتیانی بوده است. وی تالیفات بسیاری داشته
و در حدود سال هزار و سیصد و بیست و چهار هق در طهران وفات
یافته و در زاویه جنوب شرقی صحن شریف حضرت عبدالعظیم (ع)
متصل به کفشه کن مدفون است.

همین میرزا جعفر، یکانه داماد مرحوم میرزای آشتیانی بود و

حکیم معروف عصر ما مرحوم حاج میرزا مهدی آشتیانی فرزند او است و والده اش آقازاده خانم (صبیّه مرحوم میرزای آشتیانی که بانوی دانشمند و شایسته ای بود) می باشد.

حاج میرزا مهدی آشتیانی

صاحب ریحانه الادب می نویسد:

در سال هزار و سیصد و ششم هجری قمری در طهران متولد شد پس از آنکه ادبیات و مقدمات لازمه و درس سطح فقه و اصول را نزد والد معظم خود میرزا جعفر و آقا شیخ مسیح طالقانی و دیگر اساتید وقت بحد کمال رسانید فقه و اصول استدلالی و اقسام منقول را نیز در حوزه درس مرحوم حاج شیخ فضل الله شهید نوری و آقا سید عبدالکریم مدرس مدرسه مروی تهران و دیگر اکابر وقت تکمیل و مبانی ریاضیات را نزد شیخ عبدالحسین سیبویه و میرزا غفارخان نجم الدوله و میرزا جهان بخش منجم و حکمت ملا صدرا نزد سید الحکماء آقا میر شیرازی و اساس حکمت مشائی را نزد میرزا حسن کرمانشاهی و عرفان و حکمت اشرافی را نزد میرزا هاشم گیلانی اشکوری و دیگر فحول وقت و طبّ قدیم را نزد سلطان الفلاسفه میرزا محمدحسین و رئیس الاطباء میرزا ابوالقاسم نائینی طبیب مخصوص ناصرالدین شاه قاجار و طبّ جدید را نیز نزد میرزا علی اکبرخان ناظم الاطباء و میرزا ابوالحسن خان رئیس الاطباء و غیره‌ما استوار داشت بعدها تکمیل مراتب علمیه و نقلیه عزیمت عتبات داد در حوزه درس یگانه فقیه وقت آقای سید محمدکاظم یزدی حاضر شد علاوه بر استفاده از آن حوزه، خودش نیز بتدریس استدلالی فقه و اصول و غیره پرداخت و سپس به ایران

مراجعةت مدته در قم و اصفهان و مشهد مقدس رضوی اقامیت کرد و مرجع استفاده فحول آن دیار بود عاقبت در طهران متوطن و در هر دورشته معقول و منقول مشغول تدریس و مرجع استفاده‌کا بر می‌باشد. انتهی از تألیفات او حاشیه بر شرح منظومه سبزواری در دو جلد به عربی، و اساس التوحید در یک جلد به فارسی بچاپ رسیده‌است. در سال ۱۳۷۲ هـ ق وفات کرد و در قم در رواق بالای سر حرم حضرت معصومه (ع) بخاک سپرده شد.

مرحوم حاج شیخ مرتضی آشتیانی . اولین فرزند میرزا ای آشتیانی

او یک شب پس از فوت مرحوم شیخ انصاری به دنیا آمد واز آینرو اورا به احترام آن فقیه بزرگ مرتضی نامیدند . محمدخان قزوینی می‌نویسد: حاج شیخ مرتضی آشتیانی پسر آرشد مرحوم حاج میرزا حسن آشتیانی که مدتها بود در مشهد اقامیت داشت و از علمای بانفوذ ایران بود در سال ۱۳۶۵ قمری در مشهد در سن ۸۵ سالگی وفات یافت.

آقای غفوری می‌نویسد : حاج شیخ مرتضی آشتیانی در عصر خود از بزرگترین فقهاء و مجتهدین زمان بشمار می‌آمد و هنوز هم عده‌ای از شاگردان آن مرحوم از بزرگان مدرسین حوزه‌های علمیه هستند.

آن مرحوم در قضیه بانگ روس و حوادثی که منتهی به لغو امتیاز آن شد نقش بسزائی داشت.

در سال ۱۳۴۰ به مشهد مشرف شد و در آنجا به تدریس و اقامه جماعت و اصلاح امور مردم پرداخت تا سال ۱۳۵۳ که پیرو

وقایع مشهد به حکم راجبار به تهران آمد و چند سالی در زاویهٔ حضرت عبدالعظیم علیه السلام مجاور تا سال ۱۳۶۰ که به عتبات عالیات مشرف و دو سال در کربلا به تدریس مشغول و به واسطه کسالت مزاج به ایران مراجعت و ثانیاً به مشهد مشرف و به وظایف شرعی خود قیام و بالآخره در سال ۱۳۶۵ قمری به رحمت ایزدی پیوست و در پایین پای مبارک حضرت رضا علیه السلام درب حرم مطهر مدفون گردید.

× × ×

مرحوم حاج شیخ مرتضی آشتیانی فرزندانی داشت بمناسبت شرح:

۱- حاج میرزا محمود آشتیانی

۲- مرحوم حاج میرزا ابراهیم که زندگی وی سراسر مصروف

خدمت بمردم بود.

۳- مرحوم آقامیرزا اسماعیل متخلص به شعله دارای تألیفات چاپ شده زیرا دیوان اشعار، کتاب مناظر و مرايا، نماز در اسلام، سفرنامه اروپا و کتاب ادعیه قرآن، در این کتاب اخیر قسمتی از عده الداعی ابن فهد حلی نیز ترجمه شده است و توسط کتابفروشی علمیه اسلامیه نچاپ رسیده است.

این مرحوم نقاش زبردستی بود که آثار فراوانی از او در مجلس شورای ملی سابق نگاهداری می شود.

مرحوم حاج میرزا محمود آشتیانی

صاحب گنجینه دانشوران می نویسد:

رساله پرستشناه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله المتجلى لخلقه، والظاهر لقلوبهم بحجته، و
الصلة والسلام على اشرف المرسلين و خاتم النبيين محمد وآلهم الطيبين
الطاهرين، امناء الرحمن واركان الايمان، واللعنة على اعدائهم ومخالفتهم
ابدالابدين و دهر الادهرين

و بعد چنین نکارد افق العباد الى رحمة رب الغنى احمد بن محمد
حسن الاشتیانی که يك نفر از آشنايان قدیمی و دوستان صمیمی و هو شیاران
طريق حقیقت از فقیر فانی چگونگی عبادت و پرستش معبد یکانه را در ساعت
غفلت، یعنی کیفیت نماز غفیله را سؤال فرمود که شاید به این وسیله از
خواب غفلت بیدار شوم و به وظیفه بندگی سبقت و رزم .

بلی آنانکه بمقام حریت از قید عبودیت نفس آماره و آزادی از ذل
رقیت شهوت و غضب و رهائی از علاقه های باطله متحقق گردیدند، لذت
حضور در محضر انس معبد یکتا، و محبوب بالذات در دوسرا او زیادتی
علاقمندی با عالم بقاء و سرور و نور چنان مشغولشان داشته که هیچگاهی از
یاد خداوند غفلت نورزنده و به کلی از توجه به تعیینات زائله فانیه و شهوت
نفسانیه دور و بیخبرند، بلکه از کلیه عالم فرق و ناسوت معرض و مدبرند
این است که مولای متقيان فرموده : وَإِنِّي بِطُرْقِ السَّمَاءِ لَا عُلَمُ مِنِّي بِطُرْقِ
الأَرْضِ . ۱

۱- نهج البلاغة خطبه ۱۸۴ با مختصر تفاوت

هرگز وجود حاضر و غائب شنیده‌ای من در میان جمع و دلم جای دیگرست
و چگونه چنین نباشد، با اینکه آن شمس حقیقت و نور ازلی و نیز
عالم حیات که مقصود و مشهود اهل معرفت و عبادت است، جامع هر
کمالی بی‌پایان، و بخشندۀ هر جمال و جلال ظاهر و پنهان است.

روی بنما وجود خودم ازیاد ببر خرمن سوختگان را همه‌گوباد ببر
هوشمندان اسرار عالم ملکوت که عجالتًا در کنج ویرانه محنت آباد
دنیا محبوسند البته همیشه بیاد وطن مألف، و خوشدل و سرگرم به امید
وصل محبوبند.

ندانمت که در این دامگه چه افتاده است
نشیمن تونها این کنج محنت آباد است
زود جوید روزگار وصل خویش
کان وطن یکباره رفت از ضمیر
موطن اصلی خود را یاد کن
بازمانی دور از اقلیم روح
کاندرين ویرانه ریزی بال و پسر
در غربی مانده باشی بسته پا
بر فراز لامکان پرواز کن
یوسفی یوسف بیا از چه برون
از رسن غافل مشویگه شده است
تا بیینی بارگاه پادشاه

از عالم غیب، و مستشرق بانوار طلعت بیمثال حی قیومند. بطلعتک فی
الْحَافِّينَ، وَخُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمَسْبَحِينَ، ۲

تورا ز کنگره عرش میزند صفیر
که ای بلند نظر شاه باز سدره نشین
هر کسی کو دور ماند از اصل خویش
اینقدر در شهر تن ماندی اسیر
روبتاب از جسم و جان راشاد کن
تا بچند ای شاه باز پرفتوح
حیف باشد از توای صاحب نظر
تا بکی ای هدهد شهر سبا
جهد کن این بند از پا باز کن
تابکی در چاه طبعی سرنگون
یوسفا آمد رسن درزن تو دست
در رسن زن دست و بیرون شوز چاه

این فقرا همیشه در فکر آخرت و ذاکر حقند، و منور به تجلیات
ساعیر و ظهورک فی جبل فاران، بر بواحه المقدسین، و جنود الملائکة

خانه درویش چون باشد خراب
در بیابان چون درو دیوار نیست
لکن شاهدان طلعت عالمتاب، قلوب مؤمنین موحدین است، نه
چشم سرو اوهام مردمان بی خرد مشبهین، که خالق را از مخلوق فرقی
نکند و بگفته حکیم شیرازی مبدء مقدس را هیولای قابل هر صورتی پنداشته
و هر موجودی را مرکب از واجب و ممکن دانسته و نامش را وحدت وجود
گذاشته.

عشق با دیو سیاهی باختی
خویشن را عاشق حق ساختی
عاشق و معشوق را در رستخیز
هر دورابندند و پیش آرند تیز
در اصول کافی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به این
مضمون روایت شده، زمانی که بنده از خداوند، کمال بعد و دوری را دارد
وقتی است که همتش مصروف بشکم و شهوت و قاع باشد.^۳

و باز آنحضرت در کافی روایت نموده که حضرت عیسی (ع) فرمود
چگونه از اهل علم و معرفت است کسی که سیرش بسوی آخرت است و او اقبال
بدنیای خود نموده.^۴

واز حضرت امام محمد باقر علیه السلام در کافی به این مضمون
روایتی است که خداوند به حضرت موسی (ع) وحی فرمود من همنشین با
کسی هست که مرا یاد نماید و بذکر من مشغول باشد، حضرت موسی (ع)
عرض کرد چه کسی روز قیامت در سترو پوشش تو باشد؟ یعنی از عذابها و
رسوایتها. فرمود کسانی که مرا یاد نمایند، پس من هم آنها را در آنروز یاد
کنم، و اظهار دوستی با یکدیگر در راه من نمایند من هم آنها را دوست
دارم، این اشخاص کسانی باشند که هر وقت بخواهم اهل زمین را عذاب